

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وصلی اللہ علی محمد وآلہ الطاہرین

# مطالعات قرآن و حدیث

دوفصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث

سال هفتم، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۳۹۲

صاحب امتیاز: دانشگاه امام صادق (ع)

مدیر مسئول: دکتر حسین علی سعدی

سر دبیر: دکتر مهدی ایزدی

مدیر داخلی: محمد جانی پور

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب الفبا)

آذرتاش آذرنوش ..... استاد دانشگاه تهران  
مهدی ایزدی ..... دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)  
محمدباقر باقری کنی ..... استاد دانشگاه امام صادق (ع)  
عبدالکریم بی آزار شیرازی ..... دانشیار دانشگاه الزهراء (س)  
احمد پاکتچی ..... استادیار دانشگاه امام صادق (ع)  
سید کاظم طباطبایی ..... استاد دانشگاه فردوسی  
عبدالهادی فقهی زاده ..... دانشیار دانشگاه تهران  
عباس مصلائی پور یزدی ..... دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)  
سید رضا مؤدب ..... استاد دانشگاه قم

دوفصلنامه «مطالعات قرآن و حدیث» در تاریخ ۱۳۹۱/۸/۲۴ و طی نامه شماره ۳/۱۸۱۷۲۲ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، از شماره ۹ موفق به اخذ اعتبار علمی - پژوهشی شده است و مقالات آن در پایگاه‌های ذیل نمایه می‌شود:

www.isc.gov.ir پایگاه استنادی علوم جهان اسلام  
www.sid.ir پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی  
www.magiran.com بانک اطلاعات نشریات کشور

ویراستار انگلیسی: دکتر محمود کریمی / ویراستار عربی: دکتر محمدجواد صادقی مجید

۱۸۴ صفحه / ۳۰۰۰۰ ریال

امور علمی و تحریریه: دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد

تلفن: ۵-۸۸۰۹۴۰۰۱، داخلی ۳۷۴، نمابر: ۸۸۰۸۰۴۲۴

تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)

<http://quran.sadiqjournals.ir>

امور فنی و توزیع: مرکز تحقیقات میان رشته‌ای علوم انسانی و اسلامی، اداره نشریات

داخلی ۲۴۵، نمابر: ۸۸۵۷۵۰۲۵، صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵

E-mail: mag@isu.ac.ir

## در جستجوی خلوانی، مؤلف «نزهة الناظر و تنبيه الخاطر»

حامد خانی (فرهنگ مهروش)\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۶/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۱۶

### چکیده

کتاب نزهة الناظر و تنبيه الخاطر از جمله آثار روایی کهن شیعی است. عالمان شیعه از دیرباز، در عین توجه به اثر، نسبت به مؤلف آن ابهام داشته‌اند. از نگاه بسیاری، شواهد حیات مؤلف تنها محدود به گزارش‌هایی بوده که در میانه مطالب اثر وجود داشته است. حتی نام او نیز در نسخه‌های مختلف، به اشکال متنوع تصحیف شده و بدین سان، امکان اعتماد به همان اندک داده‌ها درباره وی از این عالمان سلب گردیده است.

این عالمان طی چند سده برای شناخت مؤلف و تحلیل آثار منتسب به او تلاش کرده، و در گذر زمان، به موفقیت‌هایی نایل شده‌اند. ایشان بر پایه شواهد مندرج در متن اثر و خارج از آن، فرضیاتی چند را آزموده، و برای جستن شواهد جدید نیز کوشیده‌اند.

در این مقاله تلاش می‌شود تا تحول شناخت‌های مختلف از مؤلف نزهة الناظر و اسباب و علل این تحول کاویده شده و در نهایت با تحلیل اندک شواهد بازمانده، تصویر بهتری از حیات و اندیشه و جایگاه اجتماعی وی، و در عین حال، درکی دقیق‌تر از یک مجموعه روایی کهن شیعی و مؤلف آن حاصل گردد. بازشناسی این اثر و مؤلفش از این حیث مهم است که راهی فراروی شناخت بهتر جریان‌های فرهنگی و فکری جامعه شیعیان بغداد در سده پنجم هجری می‌گشاید.

### واژگان کلیدی

خلوانی، نزهة الناظر، خصائص الاثمه(ع)، سد آبادی، لوامع السقیفه، آثار کهن شیعه.

\* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آزادشهر استان گلستان

### طرح مسئله

نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، اثری است روایی با مضمون اخلاقی - تربیتی، دربر دارنده ۴۷۸ سخن حکمت‌آمیز و کوتاه از پیامبر اکرم(ص) و یکایک امامان شیعه(ع) که در صفحات پایانی، نام مؤلفش «حسین بن محمد بن حسن» ذکر می‌شود.

عموم عالمان شیعه به این کتاب توجه کرده‌اند. برخی همچون مؤلف «مقصد الراغب الطالب فی فضائل علی بن ابی‌طالب(ع)» یا مؤلف «الدرة الباهرة» کوشیده‌اند روش مؤلف را دنبال کنند. نوری نیز، با وجود آنکه روایات نزهة را فاقد اسناد می‌داند، اما آنها را در مستدرک الوسائل خویش می‌گنجاند (نک: نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۵، ص ۲۰۵؛ ج ۸، ص ۴۶۰، ۳۲۰، ۲۸۰؛ نیز نک: آقابزرگ، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۷۳).

کتاب «نزهة الناظر» اول بار به تصحیح و همراه با مقدمه محمد صادق بحر العلوم در نجف (کتابخانه حیدری، ۱۳۵۶ق) به چاپ رسید (امینی، ۱۳۸۵ق، شماره ۱۶۳۱). همین چاپ یک بار دیگر در مشهد (چاپخانه سعید، ۱۳۶۲ش) افسست شد. سپس محمد باقر ابطحی (۱۳۶۶ش) به تصحیح و نقد متنش همت گماشت و در آخر، عبدالهادی مسعودی نیز متن آن را بر پایه نسخه‌های بیشتری تصحیح نمود (دارالحدیث، ۱۳۸۳ش) و متن آن را همراه با ترجمه فارسی به نام «چشم تماشا» منتشر کرد.

در چاپ‌های اخیر نزهة الناظر، مؤلف آن حسین بن محمد بن حسن حلوانی شناسانده می‌شود. از آن سو، با مراجعه به آثار پیش‌تر از دو سده اخیر می‌بینیم که اغلب عالمان شیعه با لقب «حلوانی» برای وی آشنا نبوده‌اند (برای نمونه نک: ابن شهر آشوب، بی‌تا، ص ۷۸؛ افندی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۴۰؛ نوری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۱ و ۱۹۲). به همین ترتیب، در هیچ یک از آثار رجالی یا کتاب‌شناختی، توضیحی درباره شواهد زندگی مؤلف نزهة الناظر دیده نمی‌شود. عالمان رجال شیعه گویا شناختی از وی نداشته‌اند (نک: نمازی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۱۸۸).

با این حال، در آثار معاصران، اظهار نظرهای دقیق‌تری درباره مؤلف مشاهده می‌شود. برای نمونه، خلاف گفتار پایان‌بخش نسخه‌های نزهة الناظر که از قول مؤلف، نام جدش را «حسن» می‌نمایاند، ابطحی در مقدمه خویش بر تصحیح این اثر، وی را حسین بن محمد بن نصر حلوانی می‌شناساند که شاگرد بزرگانی چند از جمله سید

مرتضی، فرزند شیخ مفید و شیخ طوسی است، زندگی‌اش در بغداد گذشته، و احتمالاً همراه با شیخ طوسی به نجف مهاجرت کرده، و سپس بازگشته و افزون بر نزهة الناظر، یکی دو اثر دیگر نیز تألیف نموده و سرآخر، بعد از ۴۸۱ق درگذشته است (نک: ابطحی، ۱۴۰۸ق، ص ۱).

این گونه معرفی وی در هیچ یک از آثار کهن سابقه ندارد. با توجه به کمبود شواهد کتاب‌شناختی و رجالی از یک سو، و تفصیلی بودن نسبی این معرفی از دیگر سو، جای پرسش دارد که: اولاً بر پایه متن نزهة الناظر، چه آگاهی‌هایی می‌توان درباره مؤلف و اندیشه‌ها و زمانه‌اش کسب کرد؟ ثانیاً منابع کهن و نزدیک به عصر مؤلف، چه تصویری از حیات وی ارائه می‌کنند؟ ثالثاً دیدگاه عالمان متأخرتر به او، متأثر از چه عواملی شکل گرفته، و به مرور زمان چه تحولاتی را پشت سر نهاده است؟ رابعاً چه شواهد بیشتری می‌توان از حیات و آثار مؤلف نزهة سراغ داد؟

#### ۱. تصویر مؤلف در کهن‌ترین منابع

##### ۱-۱. مروری بر مضامین و محتوای نزهة الناظر

با مراجعه به کتاب نزهة الناظر درمی‌یابیم که این تألیف، بازمانده از نیمه دوم سده ۵۵ق (نک: حلوانی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۴۷) و نوشته عالم شیعی ناشناخته‌ای است که در پایان بیشتر نسخه‌ها، با نام «حسین بن محمد بن حسن» یاد می‌شود (نک: حلوانی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۵۲؛ قس: آقابزرگ، ۱۴۰۳ق، ج ۲۴، ص ۱۲۸؛ امین، ج ۶، ص ۱۵۳). مؤلف، کتاب را برای مخاطب عمومی تألیف کرده و انگیزه خود را از این کار، آشنایی مخاطبان با گفتارهای زیبای پیامبر(ص) و ائمه(ع) بیان می‌دارد (حلوانی، ۱۴۰۸ق، ص ۹). وی در حقیقت می‌خواسته این کتاب، مایه آگاهی نوآموزان و یادآوری عالمان باشد و همگان را از رجوع به آثار پند آموز ادبی با صبغه غیر دینی بی‌نیاز کند (حلوانی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۵۲).

آشکار است که مؤلف بنا دارد کار ناقص شریف رضی (۴۰۶-۳۵۹ق) را در کتاب خصائص الائمة(ع) پی گیرد و اشکالات شیوه شریف رضی را در این تألیف دوران جوانیش اصلاح کند (شریف رضی، ۱۴۰۶ق، ص ۳۷). او مثل شریف رضی به زندگی

اهل بیت(ع) نمی‌پردازد و در عوض به قول خودش، «طُرفه»هایی از کلام پیامبر(ص) و «لُمعه»هایی از اقوال اهل بیت(ع) را گرد می‌آورد (نک: حلوانی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۰ و ۴۲؛ شریف رضی، ۱۴۰۶ق، ص ۳۶).

#### ۲-۱. شواهد حیات مؤلف در منابع کهن

اگرچه در بیشتر نسخه‌های خطی بازمانده از کتاب نزهة الناظر، مؤلف اثر با نام حسین بن محمد بن حسن یاد شده، اما لقب «حُلوانی» برای وی در هیچ یک از نسخه‌های شناخته‌ی این اثر دیده نمی‌شود (نک: امین، بی‌تا، ج ۶، ص ۱۵۳؛ آقابزرگ، ۱۴۰۳ق، ج ۲۴، ص ۱۲۸).

نخستین بار در بشارة المصطفی، اثر عمادالدین طبری (۵۲۵ق) می‌توان اشاره‌ای به لقب «حُلوانی» برای فردی بدین اسم یافت. وی ضمن یادکرد روایتی (طبری، ۱۴۲۰ق، ص ۱۰۵)، از یک راوی با نام حسین بن محمد بن نصر، با لقب حلوانی و کنیه ابو عبدالله یاد می‌کند که در سال ۴۲۹ق در بغداد از سید مرتضی حدیث شنیده است. شاید نصر نام یکی از اجداد همان حسین باشد؛ چه، گاه برخی محدثان را به نام جد اعلایشان می‌خوانند. با این حال، پذیرش این احتمال، مستلزم شواهد بیشتری است. عمادالدین طبری هیچ اشاره بیشتری ندارد که بتوان بر پایه‌اش دریافت حلوانی منظور وی، همان مؤلف نزهة است.

حدود یکصد سال بعد از تألیف نزهة، ابن شهرآشوب (د ۵۸۸ق) در معالم العلماء خویش از فردی با نام حسین بن محمد بن «احمد» حلوانی یاد می‌کند و چند اثر از آثار وی را نام می‌برد: کتابهای لوامع، سقیفه، جمل، دار، صفین [یا بر پایه برخی نسخه‌های بازمانده از این اثر: کتاب‌های لوامع السقیفه و الدار و الجمل و صفین] و کتاب مثالب الادعیاء (ابن شهرآشوب، بی‌تا، ص ۷۷؛ آقابزرگ، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۱۶۷).

همچنان که مشاهده می‌شود، کتابی به اسم نزهة الناظر در این فهرست نیست. نیز، خود ابن شهرآشوب جداگانه و در جای دیگر (بی‌تا، ص ۷۸) از حسین بن محمد بن حسن به عنوان مؤلف نزهة یاد می‌کند و لقب حلوانی را نیز برای وی نمی‌آورد و هرگز حلوانی را با جدی به نام نصر نمی‌شناسد که تألیف نزهة را به وی نسبت بدهد. ابن

شهر آشوب (بی تا، ص ۱۳۶) وجود نزهة الناظر دیگری را هم گزارش می کند که تألیف ابویعلی جعفری (د ۴۶۳ق)، داماد شیخ مفید (د ۴۱۳ق) و جانشین کرسی درس اوست (نک: انصاری، ۱۳۷۳ش).

یک نسل بعد از وی، ابن بطریق (د ۶۰۰ق)، از عالمی با نام حلوانی یاد می کند که در اثری، لمعاتی از کلام پیامبر (ص) و ائمه (ع) را گردآورده است (ابن بطریق، ۱۴۰۷ق، ص ۸). وی این عالم را حسین بن محمد بن حسین حلوانی می شناساند و کتاب را نیز نه با اسم، که با وصف معرفی می کند؛ گویی از نامش آگاهی ندارد. گرچه از نزهة الناظر نامی نمی برد، عبارتش گویاست که دارد از اثر و مؤلفش سخن می گوید. نیز، مطلبی را از این کتاب نقل می کند که در نزهة موجود است (نک: ابن بطریق، ۱۴۰۷ق، ص ۸؛ قس: حلوانی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۴۲).

از شیوه بیانش چنین برمی آید که تردید ندارد حسین بن محمد بن حسین، «حلوانی» لقب داشته، و هم او چنین کتابی را تألیف نموده است. نیز، می توان با نظر در عبارت وی محتمل دانست که به نسخه کاملی از این اثر دسترسی نداشته و با نامی که مؤلف خود برای کتابش نهاده است و در آغاز اثر بدان تصریح می کند، آشنا نیست.

یک نسل بعد از وی، ابن نجار (د ۶۴۳ق) شعری را نقل می کند که حسین بن محمد بن حسن بن نصر حلوانی شیبانی در روستای بندنیجین (نک: یاقوت، ۱۳۹۹ق، ج ۱، ص ۴۹۹) از استادش مظفر بن بدر بندنیجی شنیده، و خود نیز در سال ۴۲۵ق برای شاگردش ابوزکریا خطیب تبریزی روایت نموده است (ابن نجار، ج ۴، ص ۱۰۸). بی تردید ادیب ناقل این گفتار، همان مؤلف نزهة است.

نیم سده بعد، ابن طاووس (د ۶۶۴ق) در کتاب الیقین، از اثری با عنوان نهج النجاة که توسط حسین بن محمد بن حسن بن نصر حلوانی تألیف شده است، یاد می کند (ابن طاووس، ۱۴۱۳ق، ص ۱۱۱؛ قس: ابن طاووس، ۱۴۱۳ق، ص ۳۸۹) و روایتی از آن را می آورد. در روایت منقول توسط ابن طاووس، نامی از یک شیخ حدیث این حلوانی با نام «ابوالقاسم مفید» به میان می آید (ابن طاووس، ۱۴۱۳ق، ص ۳۸۹). وی می تواند همان «ابوالقاسم علی بن محمد بن محمد بن محمد مفید» باشد که نامش در نزهة نیز همچون شیخ مؤلف دیده می شود و یکی از فرزندان شیخ مفید است.

از آن سو، تاریخ کتابت این نسخه، که ابن طاووس احتمال می‌دهد به خط مؤلف باشد، ۳۷۵ق است. به این ترتیب، حتی به فرض آشنایی ابن طاووس با کتاب نزهة الناظر، این حلوانی صاحب نهج النجاة، نمی‌تواند از دید وی هیچ ارتباطی با صاحب نزهة پیدا کند؛ بلکه به طبع باید حدود یکصد سال پیش‌تر زیسته باشد. می‌دانیم در سده ۴ق، عالمی اردبیلی با نام ابوالقاسم نصر بن جهم مفید نیز می‌زیست (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۸۴). می‌توان پذیرفت که ابن طاووس، حتی به فرض آشنایی با حلوانی و نزهة، میان وی با مؤلف نهج النجاة ارتباطی نیابد و با ذهنیت حاصل از تاریخ استنساخ نهج النجاة (۳۷۵ق)، ابوالقاسم مفید شیخ مؤلفش را با همین نصر بن جهم تطبیق دهد. ظاهراً ابن طاووس شناختی از حلوانی صاحب نزهة، عالمی که دوستان سال پیش از خود وی در شهر او - بغداد - می‌زیسته است، ندارد.

## ۲. آشنایی‌ها با اثر و تصویرسازی از شخصیت مؤلف

این اندازه ناشناختگی مؤلف، آن هم با فاصله کمی از دوران حیات وی، امری محتاج توجه و تحلیل است. باری، در دوره‌های بعد نیز، گزارشی درباره مؤلف نزهة پدید نمی‌آید؛ نه در آثار عالمان شیعی مکتب حله، و نه در مکتوبات عالمان جبل عامل. شاید اگر اندک شواهد دیگری هم از حیات وی باقی مانده بوده، با حمله مغولان و فتح بغداد از میان رفته است.

### ۲-۱. آغاز کوشش‌ها برای شناخت مؤلف

با پانصد سال تأخیر، در سده ۱۱ق، کوشش‌ها برای شناسایی آثار و مؤلفان کهن شیعی، از جمله صاحب نزهة الناظر، جدی‌تر می‌شود. نخستین بار، حر عاملی (د ۱۱۰۴ق) مؤلف نزهة الناظر را همان فردی می‌داند که مقصد الراغب را تألیف نموده است (حر عاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۵۲). وی هیچ استدلالی بر این مدعا ارائه نمی‌کند و تنها می‌گوید که خود مقصد الراغب را که تألیف صاحب نزهة الناظر، یعنی حسین بن محمد بن حسن است، مشاهده کرده (حرعاملی، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۱۰۰).

وی خود روایتی از کتاب مقصد الراغب را در اثبات الهداء می‌آورد که در آن مؤلف با یک واسطه از ابن بَطَّی (د ۵۶۴ق)، محدث مشهور بغدادی در سده ششم

هجری (ابن دبیتی، ۱۴۱۷ق، ص ۴۳) نقل می‌کند و با این وجود، به تمایز مؤلف این اثر با صاحب نزهة پی نمی‌برد. وی بی‌تردید مقصد الراغب را در اختیار داشته است (نک: حرعاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۳، ص ۲۰۶، ج ۴، ص ۳۰، ج ۵، ص ۲۵۱).

با اینحال می‌توان به قطع گفت اظهار نظرهایش درباره نزهة الناظر، تنها بر پایه شواهد مندرج در دیگر آثار است و خود، نسخه‌ای از این کتاب را در اختیار ندارد؛ همچنان که در هیچ یک از آثار خویش نیز بدان ارجاع نمی‌دهد. اگر نزهة در اختیار او بود، به سادگی درمی‌یافت مؤلفی غیر از مؤلف مقصد الراغب دارد؛ مؤلفی که در سده ۵ق می‌زیسته، و نمی‌توانسته معاصر ابن بطی باشد. باری، حرعاملی هیچ دلیلی در دست ندارد که بخواهد میان مؤلف نزهة، با مؤلف نهج النجاة ربطی بیابد، یا احتمال تصحیفی بدهد، یا حتی اظهار نظری بکند.

معاصر وی مجلسی درباره یگانگی مؤلف مقصد الراغب و نزهة الناظر سکوت می‌کند و صرفاً مقصد الراغب را از «بعض قدمای اصحاب» می‌شمرد. وی خلاف حرعاملی مقصد الراغب را گذرا دیده است. مؤلف مقصد الراغب، آن سان که مجلسی می‌شناسد، نزدیک به عصر ابن بابویه می‌زیسته، و از فرزند علی بن ابراهیم قمی روایت کرده است (مجلسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۳)؛ امری که تنها حاصل از نگاهی گذرا - و شاید باواسطه نقل دیگران - به مقصد الراغب است.

گویا مجلسی در همین حد نیز به نزهة الناظر دسترسی نداشته است. اگر اصل این کتاب را دیده بود، از آن در تألیف بحار بهره می‌جست. گذشته از این، می‌دانیم در نسخه‌های کتاب الیقین ابن طاووس که در اختیار وی بوده است، هنگام نقل از کتاب نهج النجاة، به صراحت شیخ حلوانی با نام «ابوالقاسم بن المفید» شناسانده می‌شود (نک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۷، ص ۳۲۷؛ قس: ابن طاووس، ۱۴۱۳ق، ص ۳۸۹). مجلسی اگر نزهة الناظر را در اختیار می‌داشت، و نام ابوالقاسم فرزند شیخ مفید را در آن می‌دید، نسبت به رابطه میان حسین بن محمد بن حسن بن نصر حلوانی مؤلف نهج النجاة و شاگرد ابوالقاسم بن مفید با حسین بن محمد بن حسن مؤلف نزهة که او نیز شاگرد فرزند شیخ مفید است، حساس می‌شد. همچنان که دیده می‌شود، هنوز تا عصر مجلسی



(د۱۱۱۱ق)، حسین بن محمد بن حسن، مؤلف نزهة، با وصف خلوانی شناخته نمی‌شود و ربطی به مؤلف نهج النجاة ندارد.

#### ۲-۲. افندی، نخستین یابنده نسخه

گفتارهای مختلف افندی - شاگرد مجلسی - در جای‌جای آثارش، نشان می‌دهد که در آن دوران چه اندازه پایه‌پای گسترش کوشش‌ها برای شناخت مؤلفان کهن، اشتباهات و سوء تفاهم‌ها نیز رو به گسترش بوده است. وی با استدلال‌هایی مفصل، سعی می‌کند نشان دهد نزهة الناظر و تنبیه الخاطر تألیف حسین بن محمد بن حسن، اثری غیر از نزهة الناظر فی الجمع بین الاشباه و النظائر، اثر فقهی یحیی بن سعید حلی است (افندی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۴۰؛ افندی، بی‌تا، ج ۲، ص ۸۰). از آن سو، ظاهراً در همان عصر، برخی تألیف رساله حسنیه - اثری کلامی از ابوالفتح رازی (د۵۵۵ق) - را به‌خطا به حسین بن محمد بن حسن منسوب می‌کرده، و مؤلف آن را با مؤلف نزهة یکی می‌پنداشته‌اند. افندی نسبت به این اشتباه نیز هشدار می‌دهد (افندی، بی‌تا، ج ۲، ص ۸۱).

وی تصریح می‌کند که به دو نسخه از نزهة دسترس یافته است (افندی، بی‌تا، ج ۲، ص ۸۲). نکته بینی‌های او نیز گویاست که متن نزهة را از نگاه ناقدانه یک مورخ مطالعه می‌کند. به‌واقع وی نخستین عالم در سده ۱۱ق است که اظهار نظرهایش درباره اثر، بر پایه مطالعه متن آن صورت گرفته است. اصلی‌ترین وجه تمایز توضیحات وی درباره نزهة با دیگر معاصرانش، همین دسترس داشتن او به کتاب است. برخی که ملاحظات افندی را از قبیل توضیح واضح‌تر برشمرده‌اند (امین، بی‌تا، ج ۶، ص ۱۴۶)، بدین معنا توجه نداشته‌اند.

افندی می‌خواسته است از این پیش‌تر برود و مطالعات خویش را درباره مؤلف نزهة به سرانجام رساند؛ اما مجالی برای تکمیل نمی‌یابد و بحثش ناتمام رها می‌شود (افندی، بی‌تا، ج ۲، ص ۸۲). به هر حال، وی حسین بن محمد بن «احمد» خلوانی را که بر پایه معرفی ابن شهرآشوب، مؤلف لوامع السقیفه و مثالب الادعیاء شناخته است، هرگز با حسین بن محمد بن حسن، مؤلف کتاب نزهة پیوند نمی‌زند (افندی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۶).

نیز، تألیف کتابی جدید با عنوان الروضة فی الفضائل را به حسین بن محمد بن احمد حلوانی - مؤلف لوامع السقیفه - منتسب می‌دارد؛ امری که تا کنون سابقه‌ای نداشته است. مستند وی، نوشتارهای پایانی برخی نسخه‌های کهن از این اثر است که در اختیار دارد (افندی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۶). حلوانی شناسانده توسط ابن شهر آشوب یعنی مؤلف لوامع السقیفه، حسین بن محمد بن «احمد» است؛ حال آن که جد مؤلف نزهة، «حسن» نام دارد. به هر حال، از روی نوشتار مختصر افندی نمی‌توان دریافت بر چه پایه‌ای کتاب الروضة را که به گفته خودش تألیف حسین بن محمد است، از آن حسین بن محمد بن «احمد» می‌داند و مؤلفش را با مؤلف لوامع یکی می‌گیرد؛ نه با مؤلف نزهة، که - از دید وی - حسین بن محمد بن «حسن» است.

### ۲-۳. بازشناسی تدریجی شخصیت حلوانی

حدود یک و نیم سده بعد، کنتوری (۱۲۸۶ق) نزهة را به حسین بن محمد بن حسن بن «نصر» متعلق می‌داند و بعد، وی را با وصف «حلوانی» (تصحیف «حلوانی») می‌شناساند (کنتوری، ۱۴۰۹ق، ص ۵۷۹). بدین سان، برای نخستین بار در منابع متأخر شیعی، مؤلف نزهة با نام جد و نیز لقبی خوانده می‌شود که پیش از این اختصاص به مؤلف نهج النجاة داشت. عملاً، کنتوری نخستین فردی است که مؤلف نزهة را همان مؤلف نهج النجاة معرفی می‌کند؛ گرچه هرگز بدین تصریحی ندارد. او بدون ارائه هیچ دلیلی توضیح می‌دهد که مؤلف نزهة شاگرد شریف رضی است. آن گاه، برای تبیین هدف تألیف اثر، بخشی از نوشته مؤلف نزهة را ذکر می‌کند که در نسخ موجود آن دیده نمی‌شود (نک: کنتوری، ۱۴۰۹ق، ص ۵۷۹). این امر نشان می‌دهد وی خود نسخه‌ای از کتاب را در اختیار داشته است.

ظاهراً کنتوری از وجود نهج النجاة آگاه نیست؛ چه، در کشف الحجب خود که اثری کتاب‌شناسانه است، از آن هیچ یاد نمی‌کند. پس او با تحلیل گزارش ابن طاووس به شناخت لقب «حلوانی» برای مؤلف نزهة دست نیافته است. با اینحال، نمی‌توان به قطع نتیجه گرفت که یادکرد لقب «حلوانی» و نام «نصر» برای مؤلف و جدش، مبتنی بر نسخه‌ی خطی او از نزهة است؛ چه، می‌دانیم وی هم ذیل تاریخ بغداد ابن نجار، و هم

عمده‌ی ابن بطریق را دیده بوده است (نک: کتوری، ۱۴۰۹ق، ص ۳۸۶). پس می‌توان محتمل دانست چنین اظهار نظری با تکیه بر یکی از این دو منبع صورت گرفته باشد. به هر حال، وی هرگز دلایل و مستندات خویش را برای توصیفش از مؤلف نزهه بازگو نمی‌کند.

## ۲-۴. نوری و نفی کامل این تصویر

بعد از کتوری، ناگاه میرزای نوری (د۱۳۲۰ق) بر تمام این دستاوردها خط بطلان می‌کشد و نزهه الناظر را متعلق به ابویعلی جعفری می‌داند (نوری، ۱۴۰۳ق، ص ۷۰)؛ همان فردی که اسمش لابه‌لای نزهه گاه و بیگاه ذکر شده است و گذشته از این، ابن شهر آشوب نیز وی را مؤلف اثری با عنوان نزهه شناسانده بود و گذشته از همه اینها، کاملاً واضح است که در سده ۵ق زندگی می‌کند. با این حال، وی اذعان دارد که گاهی نیز این اثر به حسین بن محمد بن حسن، صاحب مقصد الراغب منتسب گردیده است، انتسابی که لابد از دید او وجهی ندارد.

نقل قول‌های فراوان میرزای نوری در مستدرک الوسائل از کتاب نزهه (نک: نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۵، ص ۲۰۵، ج ۸، ص ۲۸۰)، جای شک نمی‌گذارد که وی با این اثر انس دارد. گرچه او توضیحی در این باره نمی‌دهد، نمی‌توان پذیرفت صفحات آخر این کتاب را نخوانده، و نام حسین بن محمد بن حسن و توضیحات پایانی همراهش را درباره ارتباط وی با فرزند شیخ مفید، ندیده است.

## ۳. کوشش‌ها برای شناخت مؤلف نزهه در دوران معاصر

### ۳-۱. تثبیت نام حلوانی

جدی‌ترین کوشش برای شناخت حلوانی را آقابزرگ (د۱۳۸۹ق) پی می‌گیرد. خلاف خوانش نادرست برخی معاصران (فاضل، ۱۳۵۲ش، ص ۲۳۹) که از فرق نهادن آقابزرگ میان دو حسین بن محمد بن حسن، یکی قمی و دیگری حلوانی می‌گوید (قس: آقابزرگ، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۱۱۹)، آقابزرگ اظهار نظرهای پیشینیان را کنار یکدیگر نهاده است و بر پایه آنها، تصویری جدید از تنها یک «حلوانی» مؤلف نزهه بازمی‌نماید. وی خبر می‌دهد که نسخه‌های بازمانده از نزهه، متفاوت و بسیار پُرغَلَطند؛ اما معتقد

است بر پایه همین‌ها می‌توان به شناختی از مؤلف دست یافت. او خود افزون بر نسخه چاپ شده اثر، به نسخه‌ای خطی هم از آن دسترس دارد (نک: حسینی جلالی، ۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۴۹۳).

چنان که دیدیم، در منابع مختلف شش نام برای مؤلف نزهة یاد شده بود. این میان، کنتوری نخستین عالم متأخری بود که نام «حسین بن محمد بن حسن بن نصر حلوانی» را ترجیح داد. آقابزرگ نیز دیدگاه وی را می‌پسندد (آقابزرگ، ۱۴۰۳ق، ج ۲۴، ص ۱۲۷). آقابزرگ میان عبارات نسخه جدیدتر خود از نزهة، با نسخه‌ای کهن که در اختیار افندی بوده است، مقایسه‌هایی می‌کند (قس: قمی، ۱۳۸۴ش، پانوش ۳۵). اغلاط نسخه جدید بسیار است، از جمله، نام مؤلف حسین بن «علی» بن محمد بن حسن ذکر می‌شود. آقابزرگ بر پایه گزارش افندی از نسخه‌ای که در اختیار داشته، و با گفتار ابن شهرآشوب و حرعاملی نیز مطابق است، نام مؤلف را تصحیح می‌کند و ضبط نسخه خویش را مرجوح می‌داند (آقابزرگ، ۱۴۰۳ق، ج ۲۴، ص ۱۲۷).

بدین سان، آقابزرگ، اظهار نظر کنتوری را مبنی بر این که حسین بن محمد بن حسن، مؤلف نزهة، حلوانی لقب داشته است، می‌پذیرد. این پذیرش، ظاهراً مبتنی بر یک حدس است: اینکه نهج النجاة به صاحب نزهة تعلق داشته باشد؛ یعنی بگوئیم حسین بن محمد بن حسن - مؤلف نزهة - همان حسین بن محمد بن حسن بن نصر حلوانی - مؤلف نهج النجاة - است. از نگاه آقابزرگ تنها یک سهو در نقل تاریخ استنساخ کتاب موجب شده است نهج النجاة به یکصد سال پیش‌تر از دوران تألیفش مربوط شود چون ابن طاووس به جای درج تاریخ ۴۷۵ق، سال استنساخ آن را ۳۷۵ق ذکر نموده است (آقابزرگ، ۱۴۰۳ق، ج ۲۴، ص ۴۲۶؛ آقابزرگ، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۱۱۹).

به طبع در صورت پذیرش این فرض، می‌توانیم این را هم قبول کنیم که مؤلف نزهة و نهج النجاة، همان شاگرد سید مرتضی است که عمادالدین طبری در بشارة المصطفی از وی روایت نقل می‌کند.

وی نظر حرعاملی را که معتقد به یگانگی مؤلف مقصد الراغب و نزهة بود، صحیح نمی‌داند (آقابزرگ، ۱۴۰۳ق، ج ۲۴، ص ۱۲۸). از روی اظهار نظرهای او نیز درباره مقصد الراغب (آقابزرگ، ۱۴۰۳ق، ج ۲۲، ص ۱۱۱) می‌توان دریافت که خود این کتاب را ندیده

است و با اعتماد به گزارش حرعاملی و گفتار مجلسی درباره اش اظهار نظر می‌کند. از نگاه آقابزرگ، مقصد الراغب متعلق به مؤلفی در سده ۴ق است (نک: آقابزرگ، ۱۴۰۳ق، ج ۲۲، ص ۱۱۱؛ آقابزرگ، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۱۱۹)؛ چرا که مؤلف نزهه، با توجه به نقل قول‌هایش از نهج البلاغه در سده ۵ق می‌زیسته است (آقابزرگ، ۱۴۰۳ق، ج ۲۴، ص ۱۲۷).

این گفتار البته سهو است؛ چرا که هر دو مورد گفتار منقول از شریف رضی در نزهه، برگرفته از کتاب خصائص الائمه (ع) هستند (نک: حلوانی، ۱۴۰۸ق، ص ۴۹). بااینحال، چنین سهوی به کلیت استدلال وی لطمه نمی‌زند. به این ترتیب آقابزرگ طهرانی خود را با دو هم‌نام روبه‌رو می‌بیند: حسین بن محمد بن حسن بن نصر حلوانی، مؤلف نزهه، و حسین بن محمد بن حسن، مؤلف مقصد الراغب (نک: آقابزرگ، ۱۴۰۳ق، ج ۲۴، ص ۱۲۷).

### ۳-۲. پیدا شدن شواهد بیشتر

آقابزرگ در عین آن که نزهه موجود را متعلق به حسین بن محمد بن حسن می‌داند، با اعتماد به گزارش ابن شهر آشوب (بی‌تا، ص ۱۳۶)، تألیف اثری دیگر نیز به همین عنوان را توسط ابویعلی جعفری می‌پذیرد. بر این پایه، مشخص کردن ارتباط میان حلوانی و ابویعلی جعفری، و اسباب و علل تألیف این دو اثر، به سؤالی مهم برای آقابزرگ تبدیل می‌شود. اندیشه‌های او در این باره، ظاهراً در طول زمان تغییر کرده است. گاه وی به حدس، مؤلف نزهه را شاگرد ابویعلی جعفری می‌نمایاند و نقل قول حلوانی از ابویعلی را معلول همین شاگردی می‌گیرد (آقابزرگ، ۱۴۰۳ق، ج ۲۴، ص ۱۲۷). شاید وی همچون برخی معاصران (نک: تجلیل، ۱۴۱۷ق، ص ۴۳۶)، در بادی امر چنین تصور کرده است که تألیف نزهه توسط حلوانی، کوششی برای تکمیل کار استاد خویش ابویعلی جعفری، یا تلاشی تحت نظارت اوست.

گاه نیز محتمل می‌داند نقل قول‌ها از ابویعلی در نزهه، حاشیه‌نویسی ابویعلی بر اثر حلوانی باشد (۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۲۵۹)؛ امری که به‌سختی معنایی جز شاگردی ابویعلی نزد حلوانی، یا تأخر زمانیش نسبت به وی دارد. آقابزرگ سرآخر گفتار خود را چنین

تصحیح می‌کند که انتساب نزهة، و همچنین اثری دیگر با عنوان تفسیر به ابویعلی جعفری، تنها حاصل بدفهمی عباراتی چند از گفتار حلوانی در نزهة است (۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۲۵۸-۲۵۹). وی می‌گوید معمولاً در آثار کهن، بارها نام مؤلف در میان اثر نیز تکرار می‌شود و معتقد است سبق ذهن میرزای نوری نسبت به همین واقعیت سبب شده است که نزهة را جازمانه به ابویعلی جعفری منتسب کند و نقل قولها از وی را، به حساب یادکرد از نویسنده‌ی اثر بگذارد (۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۲۵۹).

این قضاوت با شواهد مختلفی قابل تأیید است. اولاً، نجاشی (۱۴۱۶ق، ص ۴۰۴) که فهرست آثار ابویعلی را می‌آورد، هیچ از کتاب وی با عنوان نزهة یاد نمی‌کند. ثانیاً، همچنان که مشاهده می‌شود، نام‌های همه آثار وی، عناوینی متکلمانه هستند؛ حال آن که نزهة، اثری ادبی است. باری، آقابزرگ هرگز توضیح نمی‌دهد چرا باید نقل قول مؤلف نزهة از ابویعلی جعفری، نقل قول یک شاگرد از استاد خویش تلقی شود؛ نه مثلاً، بازنویسی مکتوبی که در آثار وی دیده و پسندیده است.

وی دو اثر دیگر نیز به حسین بن محمد بن حسن حلوانی، صاحب نزهة نسبت می‌دهد: لوامع السقیفة و الدار و الجمل و صفین، و همچنین، مثالب الادعیاء (آقابزرگ، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۳۶۷). مبنای چنین انتسابی را باید نسخه خاصی از معالم ابن شهرآشوب تلقی کرد که در اختیار آقابزرگ قرار داشته، و البته توضیحش درباره حلوانی، مشابه توضیحات مندرج در نسخه موجود نزد افندی است (افندی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۶)؛ چه، در نسخه چاپ شده معالم (ابن شهرآشوب، بی‌تا، ص ۷۷) که در اختیار ماست، میان این عناوین تفکیک شده، و کتاب‌های ششگانه لوامع، سقیفة، دار، جمل، صفین، و مثالب الادعیاء به حسین بن محمد بن «احمد» حلوانی منتسب گردیده است.

سراخر، مؤلف نزهة الناظر توسط آقابزرگ چنین معرفی می‌شود: عالمی شیعی در سده ۵ ق که نامش حسین بن محمد بن حسن بن نصر حلوانی، و از شاگردان ابویعلی جعفری است، کتاب نهج النجاة نیز تألیف اوست، با حسین بن محمد بن حسن، مؤلف مقصد الراغب هیچ نسبتی ندارد، و سراخر، لوامع السقیفة و الدار و الجمل و صفین، و همچنین مثالب الادعیاء را نیز تألیف نموده است.

### ۳-۳. ابطحی و تکمیل شواهد

نخستین چاپ منقح و تصحیح روشمند اثر بر پایه نسخه‌های مختلف را محمد باقر ابطحی (۱۴۰۸ق/۱۳۶۶ش) پی گرفت. وی که عمده دیدگاه‌های آقابرگ را پذیرفته بود، کوشید همان دیدگاه را قدری تکمیل و مستدل‌تر کند. پیش از این آقابرگ احتمال یگانگی مؤلف نزهه و نهج النجاه را پیش کشیده بود. ابطحی اکنون با قطعی تلقی کردن این فرض و یگانگی دانستن مؤلف این دو اثر با حلوانی مذکور در بشاره المصطفی، نام صحیح وی را حسین بن محمد بن نصر حلوانی دانست. نیز، بر پایه بشاره المصطفی از حدیث شنیدن حلوانی نزد سید مرتضی در سال ۴۲۹ق و شاگردیش نزد وی گفت (نک: ابطحی، ۱۴۰۸ق، ص ۱). نیز، حلوانی را ساکن شهر بغداد و محله شیعه نشین کرخ در آن شهر بازنموده؛ چه، کسی که در سال ۴۲۹ق در این شهر حدیثی بشنود و خود بعد از ۵۲ سال در ۴۸۱ق همان روایت را در همان شهر برای دیگری بازگو کند، به احتمال قوی ساکن در همان شهر است. وی حتی پا را از این هم فراتر نهاد و اظهار داشت به احتمال قوی حلوانی مؤلف نزهه از شاگردان شیخ طوسی است و لابد او نیز در ماجرای اختلافات مذهبی شیعیان و اهل سنت بغداد در سال ۴۴۸ق، همچون شیخ طوسی به نجف کوچیده، و آن گاه دوباره به شهر پیشینش بازگشته است (ابطحی، ۱۴۰۸ق، ص ۲؛ نیز، برای زمینه‌های این منازعات نک: شبیری، ۱۴۱۳ق-الف، ص ۶۶؛ واعظ زاده، ۱۳۴۷ش، ص ۲۶).

ابطحی نیز چون آقابرگ، از شاگردی مؤلف نزهه نزد ابویعلی جعفری گفت. بااینحال، مطالعه ابطحی در شرایطی صورت می‌گرفت که پیش از این، فاضل (۱۳۵۲ش، ص ۲۳۹) نشان داده بود مقصد الراغب در نیمه اول سده ۷ق تألیف شده است. بدین سان، خلاف مجلسی - و به تبعش، آقابرگ طهرانی - که گفته بودند مؤلف مقصد الراغب معاصر ابن بابویه است، وی دریافته بود که تألیف مقصد الراغب، هیچ ارتباطی با حلوانی مؤلف نزهه ندارد (نک: ابطحی، ۱۴۰۸ق، ص ۴). چنان که ابطحی دریافت، نقل قول‌ها از نزهه در مقصد الراغب سبب اشتباه حرام‌علی شده بود.

### ۳-۴. مسعودی و تبدیل فرضیات به واقعیت

همچنان که ملاحظه می‌شود، نظریه‌پردازی‌ها از دوران صفوی تا زمان حال، بدون استناد به دو منبع مهم و بنیادین صورت گرفته است؛ یکی عمده ابن بطریق، و دیگر، ذیل تاریخ بغداد ابن نجار. اگر عالمان شیعی از این دو منبع بهره می‌جستند، به‌سادگی معمای نام و نسب مؤلف حل، و شواهد بیشتری درباره زندگی‌اش یافت می‌شد.

عمده ابن بطریق، نخستین بار در سال ۱۳۰۹ق توسط احمد بن ابراهیم تبریزی به چاپ رسیده بود (نک: ابن بطریق، بی‌تا). می‌توان با توجه به شیوه نقل آقابزرگ از این اثر، دریافت که وی به نسخه چاپ شده عمده دسترس داشته است (نک: آقابزرگ، ۱۴۰۴ق، ج ۱۵، ص ۳۳۴). می‌شد انتظار داشته باشیم آقابزرگ طهرانی با مراجعه بدان، پیوندی را که به‌سختی و با تأمل بسیار میان «حسین بن محمد بن حسن» مؤلف نزهة، و «حسین بن محمد بن حسن بن نصر حلوانی» مؤلف نهج النجاة برقرار کرد، آسوده در این منبع بازبیند.

بدین سان، در نگاه اول غریب است که چگونه آقابزرگ برای اثبات این‌همانی مؤلف نهج النجاة و نزهة الناظر، هرگز به گزارش ابن بطریق استناد نمی‌کند. با مراجعه به نسخه چاپ سنگی کهن عمده که در اختیار وی بوده است، سبب امر معلوم می‌شود. چاپ کهن کتاب عمده، و تعداد قابل توجهی از نسخه‌های خطی بازمانده اثر، افتادگی دارند و حاوی نقل قول از حلوانی نیستند (نک: ابن بطریق، ۱۴۰۷ق، ص ۸؛ قس: ابن بطریق، ۱۳۰۹ق، ص ۶؛ ابن بطریق، بی‌تا-الف، ص ۶ و ۹).

وضعیت ذیل تاریخ بغداد ابن نجار، قدری متفاوت است. بخش‌های بازمانده از این اثر، به‌تدریج از ۱۳۹۸ق به بعد چاپ شدند (انصاری، ۱۳۷۲ش، ص ۳۶). می‌توان انتظار داشت که عالمان متقدم‌تر از این تاریخ، همچون آقابزرگ، بدان دسترس نبرند؛ به‌ویژه با توجه بدانکه اثر، تألیف عالمی از عامه است و نسخه‌های آن هم در ایران کمتر یافت می‌شود. چنان که از کتاب ذریعه (نک: آقابزرگ، ۱۴۱۳ق، ج ۷، ص ۱۶۵؛ ج ۱۰، ص ۸۴) برمی‌آید، آقابزرگ جز به خلاصه این اثر که توسط ابن طاووس تهیه شده بود، راه نجسته است.



باری، نخستین بار مسعودی به این دو اثر توجه می‌کند. وی در مقدمه خویش بر تصحیح دوباره نزهة الناظر، با کنار هم نهادن گزارش عمادالدین طبری در بشارة المصطفی، گزارش ابن نجار در ذیل، و گزارش ابن بطریق در عمدة، مؤلف نزهة الناظر را حسین بن محمد بن حسن حلوانی می‌شناساند که شاگرد ابویعلی جعفری است و چون در کرخ بغداد می‌زیسته، حتماً از محضر عالمانی چون شریف رضی، سید مرتضی و شیخ طوسی نیز بهره‌مند شده است. به همین ترتیب، می‌توان با نظر در ذیل تاریخ بغداد، استفاده علمی او را از ابوالحسن بندینجی نیز دریافت (نک: خطیب، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۱۴۶؛ اسدآبادی، ۱۴۱۴ق، ص ۷۹؛ یاقوت، ۱۴۰۰ق، ج ۸، ص ۲۵۲)؛ همچنان که با نظر در خود نزهة الناظر، وی را چنان می‌شناسیم که شاگرد ابوالقاسم بن مفید بوده است (نک: مسعودی، ۱۳۹۰ش، ص ۱۲۵). بدین ترتیب، تصویر ارائه شده از مؤلف اثر که پیش از این تا حدود زیادی مبتنی بر فرضیات متراکم پدید آمده بود، تأیید می‌شود.

#### ۴. استدراک و تکمله

##### ۴-۱. نَسَبِ حُلوانی

اکنون لقب «حلوانی» برای مؤلف تثبیت شده است. باینحال، راهی نداریم که آن را درست بخوانیم. شاید بتوان حلوانی را به ضم حاء خواند و به شهر حُلوان در کرمانشاه منتسب کرد (نک: سمعانی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۴۷). شاید نیز حُلوانی به فتح حاء صحیح باشد؛ منسوب به طبخ و توزیع شیرینی (نک: ابن اثیر، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۸۰). گاه معاصران به سادگی از کنار مسئله گذشته، و حلوانی را اهل حُلوان جلوه داده‌اند (نک: امین، بی‌تا، ج ۶، ص ۱۵۳). بر پایه شواهد فعلی نمی‌توان با تحلیل این عنوان، راهی به شناخت بیشتر صاحبش جست. به همین ترتیب، از لقب «شیبانی» که برای وی ذکر شده (ابن نجار، ۱۴۱۷ق، ص ۱۰۸)، نمی‌توان دریافت وی در اصل از اعراب شیبانی ساکن عراق است (برای جایگاه بنی شیبان در عراق، نک: کحاله، ۱۳۸۸ق، ج ۲، ص ۶۲۲)، یا با پیوند ولاء به ایشان ملحق گردیده.

#### ۴-۲. شاگردی شریف رضی

دیدیم گاه وی را در شمار شاگردان شریف رضی یاد نموده‌اند (کنتوری، ۱۴۰۹ق، ص ۵۷۹). گرچه در نزهة، دو جا از شریف رضی (نک: حلوانی، ۱۴۰۸ق، ص ۴۹ و ۵۱) و یک بار هم از ابویعلی جعفری (حلوانی، ۱۴۰۸ق، ص ۹۸) نقل قول می‌کند، هیچ سندی حاکی از شاگردی وی نزد ایشان در دست نیست (قس: کنتوری، ۱۴۰۹ق، ص ۵۷۹؛ ابطحی، ۱۴۰۸ق، ص ۳). این میان، شاگردی وی نزد ابویعلی (د ۶۳ق) البته محتمل و معقول است؛ اما شاگردی وی نزد شریف رضی (د ۶۰ق) ناممکن به نظر می‌رسد.

توضیح این که بر پایه آنچه در پایان نزهة آمده (حلوانی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۴۷)، بی‌تردید مؤلف شاگرد ابوالقاسم مفید است. ابوالقاسم خود از هارون بن موسی تَلْعُكْبَرِي (د ۳۸۵ق) روایتی نقل می‌کند که در پایان همین اثر جای دارد (حلوانی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۴۷). اگر فرض کنیم ابوالقاسم هنگام درگذشت هارون بن موسی تلعبکبری حداقل حدود ۱۵ سال داشته باشد، حدود سال ۳۷۰ق به دنیا آمده است. نیز، می‌دانیم که وی در سال ۴۶۱ق از دنیا رفته است (شبییری، ۱۴۱۳ق-ب، ص ۳۷).

از این شواهد معلوم است که ابوالقاسم مفید عمری دراز یافته، و از این رو، بی‌تردید نقل این روایت از فرزند شیخ مفید، کوششی برای جستن اسناد عالی است؛ و گر نه بی‌تردید بسیاری از دیگر عالمان شناخته آن عصر از شاگردان سید مرتضی و شریف رضی - از جمله، نجاشی و ابن غضائری - به روایات و منقولات تلعبکبری دسترس داشته‌اند (نک: نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۴۳۹؛ طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۳۹). بر این پایه، می‌توان فرض کرد نقل مؤلف از فرزند شیخ مفید، نقل از فردی با فاصله سنی زیاد میان دو نسل است؛ یعنی حدود چهل سال. به عبارت بهتر، فاصله میان مؤلف نزهة با فرزند شیخ مفید، نه در حد فاصله میان دو نسل، بلکه در حدود فاصله میان افرادی از دو طبقه است. پس می‌توان گفت حلوانی حدود ۴۱۰ق به دنیا آمده، و حدود ۴۸۰-۴۹۰ق هم از دنیا رفته است.

می‌توان شاهدی نیز در تأیید این حدس ارائه کرد. همچنان که دیدیم، روایت‌هایی حاکی از آن است که وی از سید مرتضی هم سَمَاعَاتِي داشته، و از طبقه شاگردان وی محسوب می‌شده. باینحال، نباید گمان برد وی با عالمانی چون شیخ طوسی، ابن

غضائری، و نجاشی هم‌نسل است. نگارش آثار رجالی و کتاب‌شناختی در این نسل از شاگردان سید مرتضی رواجی چشم‌گیر دارد. عالمانی همچون نجاشی (د ۴۵۰ق) و شیخ طوسی بدین امر همت گماشته‌اند. آنها در آثار خویش، از معاصران خود همیشه یاد نموده‌اند. یاد نشدن نام وی در این آثار، می‌تواند حاکی از آن باشد که وی متعلق به نسلی بعد از اینان است. به عبارت بهتر، در سال‌های پایانی عمر سید مرتضی، وی سال‌های نخستین تحصیل علم خویش را پشت سر می‌گذارده است.

به این ترتیب، احتمال شاگردی وی نزد شریف رضی منتفی است. نقل قول‌های وی از شریف رضی نیز، برگرفته از آثار اوست و لزوماً دلالت بر حضور درس وی نمی‌کند (حلوانی، ۱۴۰۸ق، ص ۴۹ و ۵۱؛ قس: شریف رضی، ص ۱۱۱)؛ هرچند می‌توان از خلال مطالب و سبک نگارش نزهه، تأثر شدید حلوانی از شریف رضی را دریافت؛ امری که می‌تواند از تعلق هر دو به یک مکتب فکری حکایت کند.

#### ۳-۴. لوامع و نزهة الناظر

دیدیم بر پایه معالم ابن شهرآشوب، مؤلف لوامع، فردی غیر از مؤلف نزهة است (قس: ابن شهرآشوب، بی‌تا، ص ۷۷). باینحال، یک احتمال دیگر آن است که لوامع نامی دیگر برای همین کتاب نزهة الناظر باشد؛ چه، با مراجعه به نزهة الناظر متوجه می‌شویم بارها در آغاز هر فصل آن برای اشاره به سخنان ائمه (ع)، از تعبیر «لمعة من کلام...» استفاده شده است. همچنان که دیدیم، ابن بطریق نیز در یادکرد مختصر خویش از نزهة الناظر، آن را نه به اسم، که همچون کتاب حاوی «لوامع سخنان اهل بیت (ع)» شناساند.

همیشه این فرض محتمل است که یک اثر در تداول کاربران، عنوانی غیر از آن بیاید که مؤلف نهاده است؛ به‌ویژه بعد از دوران‌های پراشویی که آثار و شواهد را از میان می‌برند. بر این پایه، فهرستی که ابن شهرآشوب از آثار حسین بن محمد بن احمد حلوانی یافته، و با تکیه بر آن آثار ششگانه لوامع، سقیفه، دار، جمل، صفین، و مثالب الادعیاء را به وی منتسب کرده، فهرست کاملی از آثار اوست و لوامع نیز، چیزی غیر از همان کتاب مشهور به نزهة الناظر نیست.

پذیرش این احتمال وقتی ممکن است که نسخه چاپی معالم را مبنای شناخت آثار حلوانی قرار دهیم. همچنان که دیدیم، بر پایه نسخه آقابرگ از معالم، حلوانی دو اثر بیش نداشت: لوامع السقیفه و الدار و الجمل و صفین، و دیگری، مثالب الادعیاء. اگر ضبط صحیح آثار حلوانی چنان باشد که در نسخه آقابرگ دیده می‌شود، لوامع السقیفه... نام یک اثر، و یگانگی لوامع با نزهة منتفی است (نک: آقابرگ، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۶۴).

آقابرگ این ضبط را با استدلالی نیز تقویت می‌کند. وی از عبارت «له... وله مثالب الادعیاء» ابن شهرآشوب چنین استنباط می‌کند که همه کلمات ذکر شده بعد از اولین «له»، اجزای نام تنها یک اثرند (آقابرگ، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۳۶۷).

باینحال، باید چند نکته را در نظر داشت. اولاً، شناخت ناقص ابن شهرآشوب از حلوانی و آثارش مانع می‌شود به ضبط وی اعتماد کنیم. ثانیاً، به نظر می‌رسد خوانش آقابرگ نیز، متأثر از عنوان یک اثر دیگر شکل گرفته باشد که ظاهراً توسط عالمی ناشناخته از معاصران حلوانی و شاگردان شریف مرتضی تألیف گردیده است: عبدالله بن عبدالله اسدآبادی. وی خود ضمن کتابش المقنع فی الامامه، از تألیف اثر دیگری با عنوان لوامع السقیفه و الدار و الجمل و صفین و نهروان خبر می‌دهد (نک: اسدآبادی، ۱۴۱۴ق، ص ۸۵).

یا باید بپذیریم ابن شهرآشوب میان آثار حسین بن محمد بن احمد حلوانی با اسدآبادی خلط کرده است؛ یا اینکه دو عالم شیعی معاصر آن هم در یک شهر، به اقتضای یک انگیزه اجتماعی مشترک، همزمان دو اثر به یک نام تألیف کنند؛ یا این که اساساً حلوانی همان اسدآبادی است و صرفاً در اثر تصحیف و خطا، آثار یک مؤلف به عالمانی ظاهراً مختلف منتسب گردیده‌اند.

می‌توان در تأیید احتمال سوم، چند شاهد هم آورد: اولاً، اسدآبادی مؤلف لوامع السقیفه، شاگرد سید مرتضی، و از عالمان سده ۵ق است و زمان زندگی با زندگی مؤلف نزهة تطابق کامل دارد (شعب، ۱۴۱۴ق، سراسر مقاله). ثانیاً، این هر دو در شاگردی ابوالحسن بندنیجی مشترکند (اسدآبادی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۱۶). ثالثاً، چنان که گفتیم، ابن شهرآشوب حلوانی را با لقب «رئیس» یاد می‌کند. هنگام یادکرد از عبدالله اسدآبادی نیز،

او را با وصف رئیس شناسانده‌اند (نک: آقابزرگ، ۱۴۰۳ق، ج ۲۲، ص ۱۲۱). رابعاً، می‌دانیم کنیه حلوانی ابوعبدالله است. پدرش نیز محمد نام دارد و به طبع، ممکن است مثل بسیاری از افرادی که محمد نام دارند، کنیه‌اش ابوعبدالله باشد. بر این پایه، حلوانی، همان ابوعبدالله حسین بن ابی‌عبدالله محمد، یا به عبارت بهتر، ابوعبدالله بن ابی‌عبدالله است. شاید عبیدالله بن عبدالله، تصحیف همین گونه نامبری از حلوانی باشد. بالینحال، این شواهد برای پذیرش این‌همانی دو شخصیت کافی نیستند.

پذیرش احتمال دوم نیز، مشکل به نظر می‌رسد. بعید است که دو عالم شیعی معاصر که هر دو ساکن بغدادند، یک نام برای آثار جداگانه خویش برگزینند. پس در حال حاضر و با تکیه بر شواهد موجود، منطقی‌تر آن است که احتمال نخست جدی‌تر گرفته شود؛ یعنی نخست نزهه در میان عموم به لوامع شهرت یافته باشد و بعد، همین شهرت سبب خلط میان اسم اثر با تألیف معاصر وی عبیدالله اسدآبادی گردد؛ به‌ویژه با توجه به شباهت زمانی این دو عالم و از میان رفتن شواهد بازمانده از حیاتشان.

#### ۴-۴. ریاست حلوانی

حلوانی در کهن‌ترین منابع با لقب «رئیس» یاد شده است (ابن شهر آشوب، بی‌تا، ص ۷۷؛ ابن نجار، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۰۸). جا دارد قدری با تحلیل این داده، بکوشیم درکی بهتر از جایگاه علمی و اجتماعی حلوانی بیابیم. کلمه رئیس در سده پنجم هجری دارای کاربردهای متعددی بوده است. گاه آن را به معنای وزیر، و گاه به معنای استاد کرسی، و گاه به معنای رئیس صنفی خاص از پیشه‌وران به کار برده‌اند (ثنایی، بی‌تا، سراسر اثر). در این میان، بعید است وی وزیر خلفای عباسی بوده باشد؛ که در دوران ضعف اقتدار شیعیان و گسترش آشوب‌ها علیه ایشان می‌زیسته است. به طبع باید ریاست وی، به معنای پیشوایی مذهبی و صدرنشینی حلقه‌ای علمی باشد؛ هرچند از این تعبیر به‌تنهایی نمی‌توان دریافت که صدرنشینی کدام حلقه مراد است (منتجب‌الدین، ۱۳۶۶ش، ص ۱۰۵).

با مطالعه عناوین و مباحث آثار بازمانده از وی، می‌توان دریافت وی بیش از هر چیز یک متکلم است. نگارش آثاری مثل سقیفه، دار، مثالب الادعیاء، و...، بی‌تردید با

گرایش متکلمان وی سازگارند. به همین ترتیب، مباحث مطرح در نزهة الناظر نیز، چنان که بازنمودیم، بازتاباننده روحیه و دغدغه‌های متکلمی شیعه هستند. پس اگر قرار باشد پیشوایی مذهبی و صدرنشینی حلقه‌ای به وی رسیده باشد، باید او را سرحلقه متکلمان شیعه بغدادی دانست.

توضیح اینکه در میان شیعیان بغداد سده پنجم هجری، پایه‌پای رواج مکتب اصحاب حدیث، مکتب متکلمان هم رونق و رواج داشت؛ مکتبی که شاخص‌ترین عالمانش، مفید و سید مرتضی بودند (نک: پاکتچی، ۱۳۸۳ش-الف، ص ۳۴؛ پاکتچی، ۱۳۷۷ش، ص ۴۵۲). یک نسل بعد از مفید، صدرنشینی همین حلقه به ابویعلی جعفری منتقل شد (پاکتچی، ۱۳۸۳ش-ب، ص ۳۲۱). آن گاه که شیخ طوسی اندیشه‌های مکتب متکلمان و اصحاب حدیث شیعه را با هم تلفیق کرد و پایه‌های مکتب فقهی نوین خود را نهاد، ابویعلی جعفری ادامه دهنده اندیشه فقهی کلام‌گرای شیخ مفید و سید مرتضی بود. می‌توان محتمل شمرد حلوانی چون جانشین ابویعلی جعفری، آخرین عالم شناخته و صدرنشین همین حلقه باشد. هرگاه چنین باشد، وی خلاف تصور ابطحی، از شاگردان و گرایندگان به مکتب شیخ طوسی نیست.

بر این پایه، اصلی‌ترین سبب فراموشی حلوانی و آثارش، از رونق افتادن مکتب متکلمان شیعی با ظهور شیخ طوسی و شکل‌گیری مکتب اوست؛ امری که خود، معلول تغییر شرایط سیاسی و مذهبی بغداد است و سبب می‌شود آثار و اندیشه‌های پیروان این مکتب فرصتی برای بقای بیشتر نیابند.

### نتیجه‌گیری

همچنان که دیدیم، شناخت مؤلف نزهة الناظر برای مدت‌ها مسئله عالمان شیعه بوده است و در این باره بحث‌های گسترده‌ای را دامن زده‌اند. مؤثرترین عامل بر تحلیل‌های این عالمان درباره نزهة الناظر و مؤلفش، دسترسی آنها به نسخه‌های کهن بوده است؛ خواه نسخه‌های کهن خود این اثر، یا نسخه‌های بازمانده از دیگر آثار مرتبط با آن دوره. دیدیم دسترس نداشتن به نسخه‌های کهن، بسیار بیش از آنچه تصور می‌شود برای این عالمان محدودیت ایجاد می‌کرده است؛ حتی اگر بدین امر تصریح نکرده باشند.

به طور خاص، دیدیم دسترسی نداشتن این عالمان به کتاب عمده ابن بطریق و ذیل تاریخ بغداد ابن نجار چه اندازه شناخت حلوانی را با تردید مواجه کرده، و نظریه پردازی‌های عالمانی چون آقابزرگ را تا مدت‌ها در حد یک حدس، فروکاسته است. از آن سو، دیدیم با توجه به این آثار نیز، نظریه پردازی‌های عالمانی چون کنتوری و آقابزرگ تأیید می‌گردد. در این میان، گرچه خلاف نسخه چاپی جدید عمده ابن بطریق، تعداد قابل ملاحظه‌ای از نسخه‌های خطی و چاپ سنگی کهن بازمانده از اثر، فاقد اشاره به حلوانی است، گزارش مندرج در ذیل تاریخ بغداد ابن نجار، جای تردید باقی نمی‌گذارد که کنتوری و آقابزرگ طهرانی در شناخت مؤلف نزهه، حدس‌های صائب و دقیقی زده‌اند.

دیدیم شناخت‌ها از حلوانی در دوران معاصر تکامل بسیار پیدا کرده، و باینحال، هنوز تا شناسایی اندیشه‌ها و زمانه و جایگاه اجتماعی وی راه درازی در پیش است. معلوم نیست لقب حلوانی، در نسبت به چه شهر یا حرفه‌ای به مؤلف داده شده است. نیز، رابطه میان وی با چند عالم دیگر در بغداد همان دوره، جای تأمل بسیار دارد؛ عالمانی همچون عبیدالله بن عبدالله اسدآبادی.

به همین ترتیب، در این مطالعه نیز کوشیدیم شناخت بهتری از حلوانی حاصل کنیم. از یک سو بر گرایش فکری وی به شریف رضی تأکید کردیم و از دیگر سو با تحلیل شواهد برای تخمین تقریبی دوران حیات وی، نشان دادیم وی دوران شریف رضی را درنیافته است. نیز، فرضیاتی را برای شناخت بهتر حلوانی مطرح کردیم؛ فرضیاتی که راه را برای مطالعات بعدی بگشایند. از یک سو کوشیدیم این احتمال را تقویت کنیم که لوامع و نزهه، دو نام برای یک اثر باشند. از دیگر سو، بحث درباره جایگاه اجتماعی حلوانی و تحلیل لقب «رئیس» برای او را جدی دنبال کردیم؛ همچنان که سعی کردیم از خلال بازخوانی نزهه الناظر و اندیشه‌های مندرج در آن، رابطه حلوانی را با مکاتب شیعیان بغداد بازنماییم.

## کتابنامه

- آقابزرگ طهرانی، محمد محسن (۱۳۹۰ق)، *طبقات اعلام الشيعة*، بیروت: دارالکتب العربی. همو، (۱۴۰۳ق)، *الذریعة الی تصانیف الشيعة*، بیروت: دارالاضواء.
- ابطحی، محمد باقر (۱۴۰۸ق)، *مقدمه بر نزّه الناظر حلوانی*، قم: مدرسه الامام المهدي (ع). ابن اثیر، علی بن محمد (بی تا)، *اللباب فی تهذیب الانساب*، بیروت: دار صادر.
- ابن بطریق، یحیی بن حسن (۱۳۰۹ق)، *نسخه چاپ سنگی کتابخانه دائرةالمعارف بزرگ اسلامی به شماره ۲۱۲۹۹*، به کوشش عبدالوهاب خوئی و محمد جعفر نمازی، تبریز: نشر تبریزی.
- همو، (۱۴۰۷ق)، *العمدة*، قم: جامعه مدرسین.
- همو، (بی تا-الف)، *نسخه خطی خاندان حاج شیخ جعفر شوشتري*، تهران: کتابخانه ملی ایران، شناسه ۱۷۱۰۱۸۶.
- همو، (بی تا-ب)، *نسخه خطی*، تهران: کتابخانه ملی ایران، شناسه ۱۰۶۷۰۰۸.
- همو، (بی تا-پ)، *نسخه خطی عنایت الله محمد امین مازندرانی*، تهران: کتابخانه ملی ایران، شناسه ۱۰۶۹۷۶۷.
- ابن دبیتی، محمد بن سعید (۱۴۱۷ق)، *التاریخ*، اختصار محمد بن احمد ذهبی، به کوشش مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (بی تا)، *معالم العلماء*، نجف: المكتبة الحیدریة.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۳ق)، *الیقین*، قم: دارالکتب الجزائری.
- ابن نجار، محمد بن محمود (۱۴۱۷ق)، *ذیل تاریخ بغداد*، به کوشش مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- اسدآبادی، عبیدالله بن عبدالله (۱۴۱۴ق)، *المقنع فی الامامة*، به کوشش شاکر شیع، قم: جامعه مدرسین.
- افندی، عبدالله بن عیسی (۱۴۱۰ق)، *تعلیقہ بر امل الآمل حرعاملی*، قم: کتابخانه مرعشی.
- همو، (بی تا)، *ریاض العلماء*، به کوشش احمد حسینی اشکوری، قم: چاپخانه خیام.
- امین، محسن (بی تا)، *اعیان الشيعة*، به کوشش حسن امین، بیروت: دارالتعارف.



- امینی، محمد هادی (۱۳۸۵ق)، معجم المطبوعات النجفیه، نجف: مطبعة الآداب.
- انصاری، حسن (۱۳۷۳ش)، «ابویعلی جعفری»، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران: دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۶.
- همو، (۱۳۷۲ش)، «ابن نجار»، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۵.
- پاکتچی، احمد (۱۳۷۷ش)، «اندیشه‌های فقهی در سده‌های ۱-۳ق»، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۸.
- همو، (۱۳۸۳ش-الف)، «اندیشه فقهی ابن ابی عقیل عمانی و مکتب متکلمان متقدم امامیه»، فصلنامه مقالات و بررسیها، تهران: دانشگاه تهران، شماره ۷۶.
- همو، (۱۳۸۳ش-ب)، «بغداد»، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۲.
- تجلیل، ابوطالب (۱۴۱۷ق)، معجم المحاسن و المساوی، قم: جامعه مدرسین.
- ثنایی، حمید رضا (بی تا)، «رئیس»، تهران: دانشنامه جهان اسلام.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۵ق)، اثبات الهداة، به کوشش علاء الدین اعلمی، بیروت: اعلمی.
- همو، (۱۳۸۵ق)، امل الأمل، به کوشش احمد حسینی اشکوری، بغداد: مکتبه الاندلس.
- حسینی جلالی، محمد حسین (۱۳۸۰ش)، فهرس التراث، به کوشش محمد جواد حسینی جلالی، قم: دلیل ما.
- حلوانی، حسین بن محمد (۱۴۰۸ق)، نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، به کوشش محمد باقر ابطحی، قم: مدرسه الامام المهدي (ع).
- خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۴۱۷ق)، تاریخ بغداد، به کوشش مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- سمعانی، عبدالکریم بن محمد (۱۴۰۸ق)، الانساب، به کوشش عبدالله عمر بارودی، بیروت: دارالجنان.

- شیخ، شاکر (۱۴۱۴ق)، «مقدمه» بر المقنع فی الامامة اسدآبادی، قم: جامعه مدرسین.
- شبیبری زنجانی، محمدجواد (۱۴۱۳ق-الف)، «بغداد سياسياً فی عصر الشيخ المفید»، تعریب عباس اسدی، مجموعه مقالات کنگره جهانی شیخ مفید، قم: بی‌نا، شماره ۲۲.
- همو، (۱۴۱۳ق-ب)، «گذری بر حیات شیخ مفید»، مجموعه مقالات کنگره جهانی شیخ مفید، قم: بی‌نا، شماره ۹۲.
- شریف رضی، محمد بن حسین (۱۴۰۶ق)، خصائص الائمة، به کوشش محمد هادی امینی، مشهد: بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، الامالی، قم: دارالثقافة.
- همو، (۱۴۱۷ق) الفهرست، به کوشش جواد قیومی، قم: نشر الفقاهة.
- عماد الدین طبری، محمد بن علی (۱۴۲۰ق)، بشارة المصطفی، به کوشش جواد قیومی اصفهانی، قم: جامعه مدرسین.
- فاضل، محمود (۱۳۵۲ش)، «مقصد الراغب الطالب...»، مطالعات اسلامی، مشهد: دانشگاه فردوسی، شماره ۶-۷.
- قمی، هادی (۱۳۸۴ش)، «چشم تماشا: نزّه الناظر و تنبيه الخاطر»، آینه پژوهش، تهران: شماره ۹۲.
- کحاله، عمر رضا (۱۳۸۸ق)، معجم قبائل العرب، بیروت: دارالعلم للملایین.
- کنتوری، اعجاز حسین (۱۴۰۹ق)، کشف الحجب و الاستار، قم: کتابخانه مرعشی.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مسعودی، عبدالهادی (۱۳۷۹ش)، «مقدمه» بر الدرّة الباهره منسوب به شهید اول، قم: انتشارات زائر.
- همو، (۱۳۹۰ش)، مقدمه بر نزّه الناظر حلوانی، قم: دار الحدیث.
- معصومی همدانی، حسین (۱۳۸۹ش)، «جوامع»، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۸.
- منتجب الدین رازی (۱۳۶۶ش)، الفهرست، به کوشش جلال الدین محدث ارموی، قم: کتابخانه مرعشی.

۸۰ دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث، سال هفتم، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، پیاپی ۱۳

نجاشی، احمد بن علی (۱۴۱۶ق)، الرجال، به کوشش شبیری زنجانی، قم: جامعه مدرسین.

نمازی، علی (۱۴۱۲ق)، مستدرکات علم رجال الحدیث، تهران: چاپخانه شفق.

نوری، حسین بن محمد (۱۴۰۳ق)، الفیض القدسی فی ترجمه العلامة المجلسی، ضمن جلد ۱۰۲ بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.

همو، (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، بیروت: آل البيت.

همو، (۱۴۱۵ق)، خاتمة المستدرک، قم: آل البيت.

واعظ زاده، محمد (۱۳۴۷ش)، «شرح حال و آثار شیخ طوسی»، ضمن الجمل و العقود فی العبادات، مشهد: دانشگاه مشهد.

یاقوت بن عبدالله حموی (۱۴۰۰ق)، معجم الادباء، بیروت: دارالفکر.

همو، (۱۳۹۹ق)، معجم البلدان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.